



دانشگاه پیام نور مرکز اهواز
رشته ی زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان پایان نامه :

اشتیاق در دیوان سوزنی سمرقندی

استاد راهنما :

دکتر مهدی کدخدای طراحی

استاد مشاور :

دکتر علی محمد گیتی فروز

دانشجو :

سید میثم هاشمی

مهر ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صور تجلسه دفاع از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

جلسه دفاع از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد کلمه / آقای : بسیه هاشمی

دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی به شماره دانشجویی: ۸۸۰۰۲۵۱۷

تحت عنوان: اسماتق حردیوان، سوزن کزندی

با حضور هیات داوران در روز شنبه مورخ ۱۳۹۷/۷/۱۶ ساعت ۱۰

در محل تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور استان خوزستان مرکز اهواز برگزار شد و هیات

داوران پس از بررسی، پایان نامه مذکور را شایسته نمره به عدد ۱۹/۵ به

حروف نوزده و نیم با درجه عالی تشخیص داد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	هیات داوران	مرتبه دانشگاهی	امضاء
۱	مهدی کخداای طرچی	استاد راهنما	استادیار	
۲	علی محمد گنبرگ فرج	استاد مشاور	~	
۳	محمد کلاه	استاد داور	~	
۴	الفاص و لسی	نماینده تحصیلات تکمیلی	~	

تقدیم به...

کوه صبر و استقامت ، مظهر عشق و صداقت ، واژه ی ناب مروت ... پدرم

و پیشکش ...

داستان با شکوه پر ز رمز و راز هستی ... مادرم

مادر آن تک کدخدای خانگی

مادر آن مفهوم گرم زندگی

مادر آن آغوش باز معرفت

مادر آن توشه و زاد آخرت



سپاس و ستایش مخصوص خداوند یکتاست

و به آیین « من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق » صمیمانه تشکر می کنم از استاد بزرگوار مشاور جناب دکتر گیتی فروز و استاد ارجمند راهنما، آقای دکتر کدخدای طراحی، که قدم به قدم و لحظه لحظه یار و یاور بنده بودند، اگرچه نمیتوان سپاس ایشان را به قید سخن کشید.

همچنین سپاس دارم از برادر عزیزم سید محسن هاشمی که در این راه همراه و یار اینجانب بودند و دوست عزیز و گرانقدرم آقای عدنان فوجی که بی دریغ وقت و حوصله ی خود را در اختیار بنده قرار دادند.

در پایان نیز تشکر می کنم از سرکار خانم بارانی که دلسوزانه من را در این مسیر راهنمایی و همراهی نمودند.

با آرزوی توفیق برای تمامی عزیزانی که وقت گرانبهای خود را در اختیار بنده قرار دادند.

چکیده: یکی از مباحث صرف (سازه شناسی)، مبحث اشتقاق است. اشتقاق در زبان فارسی _ که از دسته زبان های هند و اروپایی است _ یعنی ساخت لغت باپیشوند یا پسوندی که طبقه دستوری کلمه را تغییر دهد یا معنی تازه ای از آن ارائه دهد. این پژوهش به بررسی پیشوند ها و پسوند های اشتقاقی در دیوان سوزنی سمرقندی، شاعر قرن ششم، پرداخته است. با این پژوهش، پیشوندها و پسوندهای فعال، نیمه فعال و غیر فعال در شعر این شاعر توانا مشخص شده اند. این تحقیق شامل این عناوین است: مقدمه، فصل اول: اصطلاحات، فصل دوم: پیشوندها، فصل سوم: پسوندها، نتیجه گیری.

کلید واژه: اشتقاق، پیشوند، پسوند، سوزنی سمرقندی.

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	مقدمه
۱	سخنی در باب سوزنی
۳	سابقه و ضرورت تحقیق
۴	تعریف مسأله و بیان سؤالهای اصلی تحقیق
۴	اهداف تحقیق
۴	فرضیه ها

فصل اول : اصطلاحات

۶	تعریف اصطلاحات
---	----------------

فصل دوم : پیشوندها

۱۱	مقدمه
۱۲	پیشوندها

فصل سوم : پسوندها

۴۷	مقدمه
۵۰	پسوندها
۱۸۱	نتایج تحقیق
۱۸۳	کتابنامه

مقدمه

اول دفتر بنام ربّ پاک

می دهم از بحر عشق آبی به خاک

بیمه گشتم چون به نامش بعد از آن

هر چه پیش آید خوش آید، نیست باک

(مولف)

سخنی کوتاه در باب سوزنی

نام و نسب و تاریخ تولد و تخلص حکیم سوزنی :

تمام تذکره نویسان نام و نسب و تخلص او را چنین یاد کرده اند : « تاج الشعراء محمد بن علی سوزنی ». ولی خود او نام خویش را در بیتی عمر و در بیت دیگر محمد و جائی بوبکر آورده و لقب خود را سوزنی و خویشتن را هم حکیم سوزنی خوانده است.

مولد او شهر نسف بوده و این همان است که به زبان عرب آنرا نخشب خوانند و به گفته مؤلف معجم البلدان شهری بزرگ میان جیحون و سمرقند بوده است .

این شاعر دلیل انتخاب تخلص سوزنی را اشتغالش به این شغل دانسته است. او سوزنگری و کلاهدوزی می کرده :

« تا چون تو کله دوختن آموزی از ما
بر دست و گریبان تو باشیم ره آموز»

درباره سن و تولد او به تقریب و حدس می توان گفت که وی در هشتاد یا هشتاد و اند سالگی از دنیا رفته است و اگر سخن تقی الدین کاشانی و یا دولتشاه را که وفات او را در سال ۵۶۹ دانسته اند بپذیریم، او در میان سالهای ۴۸۷-۴۸۹ متولد شده است و اگر سخن هدایت را در مجمع

الفصحاء قبول کنیم که وفات سوزنی را در سال ۵۶۲ دانسته است، سوزنی بین سالهای ۴۷۹-۴۸۲ تولد یافته است. (سوزنی سمرقندی، ۱۳۴۴ : مقدمه مصحح)

ما در عصری زندگی می کنیم که هر ساعت گامی و هر روز جهشی نو به سوی پیشرفت برداشته می شود. جهانی که هیچ گونه توقفی ندارد و هیچ توقف و ایستایی را نخواهد پذیرفت. در ابتدا انسان با همان کلمات و عبارات معدودی که ساخته ی افکار اولیه او بود، نیازهای خود را مرتفع می ساخت و چندان نیازی به واژگان فراوان و پیچیده در خود نمی دید. اما با پیشرفت بشر و رو به جلو رفتن دنیای شتابان و با توجه به فراوان شدن روابط و گفتگوهای بشری، انسان این نیاز را هر چه بیشتر در خود احساس کرد، تا جایی که نویسندگان و بزرگان علم و ادب دست به نوآوری زده و روز به روز واژه هایی جدید و عباراتی متناسب با نیازهای خود ساختند.

از جمله مسائل مهم روزگار ما در عرصه علم و ادب نیز، نیاز مبرم به واژه سازیست و یکی از مهم ترین راه های انجام این کار، بررسی آثار شاعران و نویسندگان توانایی می باشد که با ذوق سرشار خود، لغات و عبارات تازه ای ساخته اند.

یکی از روش های لغت سازی اشتقاق است، یعنی ساختن لغت با ضمیمه هایی که طبقه دستوری کلمه را تغییر دهند یا اگر چنین محصولی ندارند، مفهوم جدیدی از آن ارائه نمایند.

دکتر معین درباره واژه اشتقاق اینگونه می نویسد:

« اشتقاق در لغت به معانی زیر آمده است :

۱- شکافتن، گرفتن (اصل و ریشه کلمه و غیره) ۲- در آمدن در سخن ۳- دانشی است که در آن از چگونگی بیرون آوردن کلمه ای از کلمه ای دیگر که بین آنها اصالتاً و فرعاً مناسبتی وجود دارد، گفتگو می شود. » (معین، ۱۳۷۱ : ذیل واژه اشتقاق).

سوزنی سمرقندی یکی از شاعران توانایی است که واژه های تازه ای ساخته، پس ضرورت دارد دیوان او از این منظر بررسی شود و شیوه لغت سازی او با ضمیمه های اشتقاقی معلوم گردد. سوزنی شاعریست ساختار شکن، پس در نیاز اوست که واژگان را به ساز قلم خود برقصاند و خوش می رقصاند. او با استفاده از قلم خود توانسته لغات جدیدی همچون « ناله مند » را بسازد و واژگان را در موقعیت های متفاوت به کار برد، وی با این کار نه تنها به واژه سازی کمک شایانی کرده، بلکه

مخاطب را نیز مشتاقانه به خواندن اشعار خود وا می دارد، زیرا وجود تازگی و نوآوری همیشه می تواند جذاب و گیرا باشد.

روش گرد آوری اطلاعات در این پژوهش به صورت فیش برداری کتابخانه ای و براساس تحلیل نتایج می باشد. تازگی این تحقیق از نظر بررسی ضمیمه های اشتقاقی فعال، نیمه فعال و غیرفعال در دیوان سوزنی است، امری که تا امروز صورت نگرفته و به راستی جای آن خالی است. آن هم در روزگاری که نیاز شدید و حیاتی به آموختن شیوه های درست لغت سازی داریم .

سابقه و ضرورت انجام تحقیق:

پیش از این، پژوهش های زیر درباره اشتقاق صورت گرفته است:

- ۱- فرهنگ پیشوندها و پسوندهای زبان فارسی از دکتر خسرو فرشیدورد، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۸۶.
- ۲- ترکیب و اشتقاق در خمسه ی نظامی، رساله ی دکتری به راهنمایی دکتر خسرو فرشیدورد، نوشته حاج سید تقی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.
- ۳- ترکیب و اشتقاق در دیوان حافظ، رساله ی کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر خسرو فرشیدورد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.
- ۴- اشتقاق در آثار سعدی شیرازی، رساله ی کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر مهدی کدخدای طراح، نوشته طاهره حاجی زاده، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوشتر، ۱۳۸۸.
- ۵- فرآیند واژه سازی با وندها در کلیله و دمنه، رساله ی کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر مهدی کدخدای طراح، نوشته علی محمد آرزو زاده، دانشگاه پیام نور مرکز اهواز، ۱۳۸۹.
- ۶- فرآیند واژه سازی با وندها در دیوان انوری، رساله ی کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر مهدی کدخدای طراح، نوشته فرشته آقاجری، دانشگاه پیام نور مرکز اهواز، ۱۳۸۹.

یکی از مسایل مهم روزگار ما نیاز مبرم به واژه سازی است و یکی از راه های آن بررسی آثار شاعران و نویسندگان توانایی است که با ذوق سرشار خود لغات تازه ای ساخته اند، لغاتی با عناصر زنده و فعال.

سوزنی سمرقندی یکی از این شاعران تواناست که واژه های تازه ای ساخته است . ضرورت دارد دیوان او از این منظر بررسی شود و شیوه ی لغت سازی او با ضمیمه های اشتقاقی معلوم گردد.

« تعریف مسأله و بیان سؤالهای اصلی تحقیق »

یکی از شیوه های لغت سازی اشتقاق است ، یعنی ساختن لغت با ضمیمه هایی که طبقه ی دستوری کلمه را تغییر دهند یا اگر چنین محصولی ندارند ، مفهوم جدیدی از آن ارائه دهند . سوزنی سمرقندی شاعر قرن ششم با این شیوه لغات تازه ای مانند « ناله مند » ساخته است . در این پژوهش هدف این است که معلوم شود:

۱- سوزنی از کدام پیشوندها و پسوندها بیشترین استفاده را برای لغت سازی برده است؟

۲- پیشوندها و پسوند های فعال ، نیمه فعال و غیر فعال در دیوان سوزنی کدامند؟

هدف های تحقیق

بررسی شیوه لغت سازی با پیشوندها و پسوندهای اشتقاقی در دیوان سوزنی به قصد دانستن این که چه عناصری فعالند و کدام نیمه فعال و یا غیر فعال.

فرضیه ها

۱- سوزنی با ضمیمه های اشتقاقی فعال لغات تازه ساخته است.

۲- لغاتی که با عناصر غیر فعال ساخته شده و در دیوان سوزنی ملاحظه می شوند بازمانده روزگاران کهنتر است.



فصل اول
اصطلاحات

فصل اول

« اصطلاحات »

چون هر دانشی اصطلاحات مربوط به خود را دارد که تا تعریف هر یک را ندانیم نمی توانیم به همه ی جوانب آن دانش آگاهی یابیم، ضروری است با آن اصطلاحات و تعریف هر یک آشنا شویم. پژوهش حاضر نیز از این امر مستثنی نیست. از آنجا که در متن این تحقیق اصطلاحاتی به کار رفته است که ممکن است همه مراجع کنندگان با آن اصطلاحات آشنا نباشند، در این فصل به تعریف هر یک از این اصطلاحات بر اساس نظر اساتید فن پرداخته شده است. ترتیب تنظیم این اصطلاحات، به صورت الفبایی است.

ابدال : بدل شدن واجها - به خصوص آنها که منخرج و واجگاهشان نزدیک به هم است - ابدال یا تبدیل نامیده می شود. (ر.ش : فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۵۷۲؛ حق شناس، ۱۳۸۲ : ۱۶۰) مانند بدل شدن « ر » به « ل » در شلوار : شلوال.

اشتقاق : اشتقاق آن است که با افزودن یکی از وندها (پیشوند یا پسوند) جنبه ی لغوی یا دستوری کلمه ی بنیاد تغییر کند. (ر.ش : فرشیدورد، همان : ۱۳۱). برای مثال با افزودن «ی» نسبت به ایران - که اسم است - آن را به صفت نسبی تبدیل می کنیم. ایران (اسم) + «ی» نسبت : ایرانی (صفت نسبی)، یا با افزودن پسوند «دان» به « نمک » (اسم)، نمکدان (اسمی با معنایی جدید) به وجود می آوریم.

بنیاد : « کلمه یا نیمه کلمه ایست که ضمیمه ای^۱ به آن می پیوندد و کلمه ی مشتق می سازد » (فرشیدورد، ۱۳۸۶: ۱۱۷). کلمه یا واژه مانند « گل » در « گلدان » و نیمه کلمه مانند « آموز » در «آموزگار».

^۱ - دکتر فرشیدورد به جای «وند» اصطلاح ضمیمه را به کار برده است.

پسونند : وند یا ضمیمه ایست که بعد از کلمه ی بنیاد (پایه) قرار می گیرد. (ر.ش: کلباسی، ۱۳۸۸: ۲۴) مانند: « - بان » در « باغبان » و « دان » در « نمکدان ».

پیشوند : وند یا ضمیمه ایست که پیش از پایه یا بنیاد بیاید (ر.ش: کلباسی، همان: ۲۴) مانند: « هم - » در « همکار » و « نا » در « نا اهل ».

تخفیف : « تخفیف یا سبک سازی، حذف واج یا واجهایی از...کلمه...است به منظور کوتاه و سبک کردن آن. » (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۵۸۲؛ نیز ر.ش: حق شناس: ۱۵۹-۱۵۷) مانند: تخفیف واج « ل » از « شلوال ». شلوال : شوال.

ریشه : « عنصر اصلی و ناکاستنی لغوی و مشترک بین کلمات و افعال خویشاوند است که پس از برداشتن تمام عناصر الحاقی بر جای می ماند. » (فرشیدورد، ۱۳۸۳: ۹۱) مانند: « ساخ » در « می ساختم » که پس از برداشتن « می »، « ت » و « م » می ماند.

زنده یا فعال : عناصری هستند که در حوزه ی واژه سازی از آنها برای ساختن واژه های جدید استفاده می شود. (ر.ش: کلباسی، همان: ۸۴) مانند: « ی » صفت ساز نسبی. با این عناصر می توان به طور فراوان کلمه ساخت. (فرشیدورد، ۱۳۸۶: ۱۰۸).

صامت یا همخوان : « واجیست که گذرگاه هوا هنگام تلفظ آن بسته یا تنگ شود. » (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۸۶) صامت مانند: ب، پ، ت. همخوانها می توانند در آغاز کلمه بیایند. (ر.ش: ثمره، ۱۳۸۳: ۲۷).

غیرفعال یا مرده : آن گروه از وندها هستند که در گذشته زنده و فعال بوده اند، ولی در روزگار ما « زاینده گی و رویش » خود را از دست داده اند. (ر.ش: فرشیدورد، ۱۳۸۶: ۱۰۹) به نوشته ی کلباسی، این دسته « هنوز معنی نخستین خود را حفظ کرده اند و از روی قیاس با کلمات دیگر می توان آنها را بازشناخت ولی برای ساختن کلمات جدید به کار نمی روند. » (کلباسی، همان: ۸۳) خانم کلباسی این گروه را « سترون » می نامد. (ر.ش: همان) مانند: پسوند « - یزه » در پاکیزه، دوشیزه و طبقیزه.

کلمه یا واژه : استادان دستور و زبان شناسی از کلمه تعریف هایی ارائه داده اند که به دو مورد آن - که علمی تر است - اشاره می شود:

« کلمه کوچک ترین واحد معنی دار کلام است که دارای وحدت و استقلال دستوری و معنایی و املائی و آواییست و در سخن نقشی را به عهده دارد و از یک یا بیش از یک سازه به وجود آمده است؛ مانند: رفت، او، انسان، از، گلاب. » (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۱۵۷).

خانم ایران کلباسی کلمه یا واژه را از چهار نظر بدینسان تعریف کرده است: « از نظر آوایی: یک ساخت آوایی است که از یک یا چند هجا تشکیل شده، دارای یک تکیه است و در آغاز و پایان آن یک درنگ وجود دارد، یعنی می توان در آغاز و پایان آن سکوت کرد.

« از نظر ساخت صرفی: از یک یا چند واژک^۱ تشکیل شده و در سلسله مراتب واحدهای دستوری زبان در ساختمان گروه به کار می رود.

« از نظر معنایی: عبارت است از یک واحد معنایی که بر یک یا چند واحد منفرد دلالت دارد.

« از نظر املائی: دارای وحدت املائی است، به این معنی که در نوشته معمولاً فاصله ای در دو طرف آن رعایت می شود. » (کلباسی، همان: ۲۱)

ماده : « ماده... آمیزه ایست از ریشه و سازه و پسوند ماده ساز؛ مانند « سوخت » و « خورد » که از ریشه های « سوخ » و « خور » و پسوندهای ماده ساز « ت » و « د » ساخته شده اند... ماده ی ماضی از الحاق پسوند ماده ساز به ریشه ی آن به دست می آید؛ مانند: ... « بُرد »... که از ریشه ی « بُر » حاصل شده است. ماده ی مضارع با ریشه ی آن یکیست، زیرا فعل مضارع امروز پسوند ماده ساز ندارد. » (فرشیدورد، ۱۳۸۳: ۴۰۸-۴۰۷).

مصوت(واکه) : « مصوت واجیست که هنگام ادای آن گذرگاه هوا باز باشد. » (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۸۳) این گروه در ابتدای واژه واقع نمی شوند و تنها در وسط و پایان واژه قرار می گیرند. (ر.ش: ثمره، همان: ۲۸-۲۷) در وسط کلمه مانند « a » در « سَرَد » sard و در پایان کلمه مانند « e » در « تخته » taxte.

^۱ - واژک « کوچکترین واحد معنی دار یا نقش دار زبان است که در سلسله مراتب واحدهای دستوری زبان در ساختمان واژه به کار می رود. » (کلباسی، ۱۳۸۸: ۲۱) مانند: «دان»، «-ش»، «پژوه» و «ی» در کلمه ی «دانش پژوهی».

نمایان : وند یا ضمیمه ایست که از « بنیاد و اجزای دیگر کلمه مشخص باشد. » (ر.ش: فرشیدورد، همان: ۱۳۰) مانند « هم » و « ان » در همکار و خندان.

نانمایان : وند یا ضمیمه ایست که آنچنان با اجزاء دیگرش جوش خورده است که جز از راه مطالعات تاریخی و ریشه شناسی قابل تشخیص نمی باشد. (ر.ش: همان) مانند «آ» در «آهو» به معنی عیب و «ک» و «گ» در «خشک» و «مرگ».

نیمه فعال : وند یا ضمیمه ایست که گاه می توان با آن واژه ی تازه ساخت و گاه نمی توان. مانند «-ش» حاصل مصدری که در قدیم با آن « جنبش » ساخته شده و در روزگار معاصر « گویش » را با آن ساخته اند، ولی « دوش » و « جنگش » را نمی توان با آنها ساخت، زیرا ذوق را می آزارد.

نیمه کلمه : خسرو فرشیدورد در تعریف نیمه کلمه گفته است : « سازه یا عنصریست لغوی که مستقلاً و به تنهایی به کار نمی رود و فقط در ساختمان کلمات مرکب و مشتق و شبه مشتق استعمال می شود.» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۱۲۶)

او تعریف دیگر نیمه کلمه را چنین بیان کرده است : « نیمه کلمه سازه یا عنصریست مفید که ضمیمه (پیوست، پاره کلمه) نیست و در عین حال استقلال هم ندارد. مانند: بازگو، متاب، گیر، ... که فقط در کلمات مشتق و مرکب و شبه مشتقی از قبیل بازگوکردن،...، کتاب متاب، گرفت و گیر، ... به کار می رود.» (همان)

واج : « جزء بسیط و جدایی ناپذیر و تمایز دهنده و صاحب نقش را در نظام آوایی زبانی خاص واج می گوئیم. مراد از صوت تمایز دهنده آن است که تبدیل آن به صدایی دیگر موجب تغییر معنی می گردد. مانند تبدیل « س » و « د » به هم، در « سر » و « در ».» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۸۳؛ نیز ر.ش: ثمره، همان: ۲۸-۲۹).



فصل دوم
پیشوندها

فصل دوم

«پیشوندها»

مقدمه :

همانگونه که دکتر معین می گوید : « پیشوند کلمه ایست که در آغاز کلمه ی دیگر درآید و کمابیش تصرفی در معنی آن می کند » (معین، ۱۳۷۱ : ذیل پیشوند).

« پیشوند های اشتقاقی فعال و نیمه فعال فارسی : امروز پیشوند های اشتقاقی فعال و نیمه فعال که در خور لغت سازی باشند اندک اند و عبارتند از « باز » و « نا » و « هم » و « نه » (فرشیدورد، ۱۳۸۶: ۱۲۷).

« به سبب کم بود پیشوند در فارسی و به علت وجود پیشوند های متعدد فرنگی از طرفی و ترجمه فراوان آثار زبانهای فرانسوی و انگلیسی در فارسی از طرف دیگر، عناصر دیگری پیدا شده اند که به جای پیشوند های پر استعمال غربی به کار می روند، این ها عبارتند از : ضد، فاقد، خلاف، جالب، شایان و مانند آنها که شبه پیشوند هستند.

« اگر بخواهیم « با » و « بی » را هم پیشوند به حساب بیاوریم، پیشوند های فعال و نیمه فعال فارسی امروز عبارت خواهند بود از « نه »، « نا »، « باز »، « هم »، « با » و « بی »

« بعضی از دستور نویسان عناصر فعالی مانند : شاه، گاو، خر، پر، زبر، پیش، پس و بالا را هم پیشوند گرفته اند در حالی که این کلمات را باید شبه پیشوند شمرد، زیرا به صورت مستقل هم به همان معنی به کار می روند.

« فرا و فرو را اگر پیشوند بگیریم در زبان رسمی امروز نیمه فعال اند.

« **پیشوندها و شبه پیشوندهای مرده و غیر فعال** : این عناصر عبارتند از: «بر»، «در»، «ها»، «اندر»، «فراز» در کلماتی مانند برگشتن، در آمدن، هاده، اندریافتن، فراز آمدن. این ها همه به جز «ها» در قدیم نیمه فعال یا فعال بوده اند، بخصوص بر، در، فرا و فرو.

« پیشوند های مرده و غیر فعال صفت و اسم وقید که نباید با آنها لغت ساخت عبارتند از : آ-، ا و «آن»، آف-، ام-، او-، ز-، اوز-، پ-، پد-، پا-، پاد-، پی-، خ-، ه (به معنی خوب)، دش-، دژ- (به معنی ضد و بد)، فر-، ن (فرشیدورد، ۱۳۸۶ : ۱۲۸-۱۲۷).

« فرا و فرو را اگر پیشوند بگیریم، در زبان رسمی امروز نمیه فعال اند.

پیشوند ها و شبه پیشوندهای مرده یا غیر فعال : این عناصر عبارتند از : «بر»، «در»، «ها»، «اندر»، «فراز»، «ور» در کلماتی از قبیل و رافتادن، ورفتن، و اخوردن نیز نیمه فعالند. « (همان)

در اینجا پیشوندهایی که در دیوان سوزنی ملاحظه شد تنظیم شده اند و در ذیل هر یک از آنها مثال های موجود در دیوان سوزنی سمرقندی آورده شده است.

« آ- »

پیشوند نفی یا غیر آن است؛ مانند : آوردن، آسودن، آکندن، آهو، آمدن، آرامیدن (فرشیدورد، ۱۳۸۶ : ۲۶۹).

« این پیشوند در فارسی دری متروک شده و به جای آن پیشوندهای «بی» و «نا» به کار می رود. « (ناتل خانلری، ۱۳۸۸ : ۱۲۵).

آراستن تشکیل شده است از \hat{a} (پیشوند) + $r\hat{a}dh$ یا از \hat{a} و raz که به معنی «زینت دادن، زیور کردن، آماده کردن، مهیا کردن» است. (رش : تبریزی، ۱۳۶۲، ج ۱ : ۳۰، ح دکتر معین)؛ آرام که از دو جزء \hat{a} و مصدر اوستایی ram به معنی استراحت کردن است. (پیشین، همان جلد و صفحه)؛ آزاد از \hat{a} و $z\hat{a}ta$ پهلوی که در لغت به معنی اصیل، نجیب و شریف است (پیشین : ۳۴)؛ آگاه که در اوستایی « $\hat{a}-k\hat{a}s$ » بوده است (همان : ۵۲)؛ آمدن : به نوشته ی علی رواقی «آمدن» از ایرانی باستان $\hat{a}-gma-ta$ آمده است و gma به معنی «رفتن، آمدن» است. (رواقی، ۱۳۸۱ : ۱۶)؛ آوردن : فرشیدورد «آوردن» را «ضد بردن» معنی کرده است (فرشیدورد، ۱۳۸۶ : ۲۶۹). بنابراین مرکب است از پیشوند نفی \hat{a} و مصدر «بردن» با ابدال صامت «ب» به «و»؛ آهو : مشتق از اوستایی